

ریشنامه 609

دوره جدید – سال پانزدهم



سابقا گوزیدن عرش الهی را بلرزه در می آورد و با پیشرفت علم، امروزه عرش الهی با غرش هواپیمای جاسوسی اورون اسرائیل، ترک برداشته است.

در زمان قاجار و پهلوی دوم بزرگترین بدبختی ما این بود که رجال وطن دوست نداشتیم . یک مشت بادنجان دور قاب چین و سرسپرده دور شاه فقید را گرفته بودند و دیدیم چگونه ایران را تقدیم دستار بندان کردند. در زمان قاجار رجال ما یا وابسته به روسیه بودند و یا انگلیس .ناصرالدین شاه با سیاست غلط خود عامل اصلی و پرورش دهنده این افراد بود. ناصر الدین شاه رجال خود را می شناخت ، همانطوریکه سید علی خامنه ای اطرافیان دزد و جنایتکار خود را می شناسد.

تنها از محمد پیامبر زنباره و گردنه زن چسلام که در تمام عمرش یک شب بدون بره و بزغاله والاغ و زن خوابیده بر می آید که بگوید : به جهنم نگاه کردم ، تمام ساکنانش را زن دیدم.



بعد ترسناک خایه مالی که هیچ پوستی روی صاحب مرده مقام تخرمای رهبری باقی نمی گذارد.



به امید پا در میدان گذاشتن مجدد دهه نودی ها .

شیخم به طنز گفت حرام است می مخور گفتم به چشم، گوش به هر خر نمی‌کنم

طنز در آن‌جا آغاز می‌شود که رعایت حقوق دیگران نشود و آزادی توام با مسوولیت مورد تعدی واقع شود. بی‌بندوباری و هرج و مرج به عنوان آزادی تبلیغ شود و نظام جامعه در مسیر طبیعی خود مورد تهدید قرار گیرد. ستم و تجاوز در شکل‌های گوناگون چهره نماید و منادیان آزادی، خود عاملان بدبختی فکر و اندیشه و آزادی شوند. ترقی و اعتلا جای خود را به انحطاط و سقوط دهد و پویایی اندیشه و حرکت ناشی از آن، کم‌کم به رکود انجامد.

در حقیقت طنز اعتراضی است بر نارسایی‌ها و نابسامانی‌ها و بی‌رسمی‌ها که در یک جامعه وجود دارد و گویی جامعه و مسوولان امر نمی‌خواهند این اعتراض‌ها را مستقیم و

بی‌پرده بشنوند. استاد زرین کوب می‌نویسد: «هر یک از نابسامانی‌ها و بی‌رسمی‌ها ممکن است سببی‌باشد برای پیدایش هجو و هزل یا طنز اجتماعی. هر چند با شوخی و خنده همراه است، اما نقدی است جدی بر نارسایی‌ها و اشکال‌های اجتماعی، که نه سوزندگی و تخریب، بلکه قصد سازندگی و اصلاح دارد». دکتر آرین پور در نقدبودن طنز می‌نویسد: طنزنویسی بالاترین درجه‌ی نقد ادبی است، به شرط آن که رویدادها و چهره‌ها را دگرگون نکند

و در خنده‌ناک و شوخ‌طبع‌بودن آن می‌نویسد: مبنای طنز بر شوخی و خنده است، اما این خنده، خنده شادمانی و شوخی نیست، خنده‌ای است تلخ و جدی و دردناک و همراه با سرزنش و سرکوفت و کمابیش زنده و نیش‌دار که با ایجاد ترس و بیم، خطاکاران را به خطای خود متوجه می‌سازد و در مقام تشبیه می‌توان گفت که قلم طنزنویس کارد جراحی است، نه چاقوی آدم‌کشی. با همه تیزی و برندگی‌اش، جانکاه و مودی و کشنده نیست، بلکه آرام بخش و سلامت‌آور است. زخم‌های نهانی را می‌شکافد و عفونت را می‌زداید و بیمار را بهبود می‌بخشد

بنابراین هدف طنز به گونه کلی، تنبّه و توجه‌دادن افراد یا جامعه به عیب‌ها و مفاصل خود، تحقیر و کوبیدن رذایل اخلاقی، رشد فضایل اخلاقی و در یک کلام تزکیه و تهذیب و اصلاح و به تکامل رساندن اجتماع است و دکتر بهزادی در علل استفاده از طنز می‌نویسد: متأسفانه، در چهارده سده گذشته، غالب زمامداران، آرامش روح و شادمانی خاطر خویش را در کسب تعلقات دنیوی می‌جستند و با ریختن خون بی‌گناهان و بردن عرض و آبروی دیگران بر مسند قدرت قرار می‌گرفتند و خداوند، دین، عدالت و اخلاق، ابزار و وسایلی می‌شدند در دست آنان، برای فریب دادن مردم مظلوم و می‌افزاید: این طنزها زاییده هوس‌های زشت طنزپردازان و برای خوارشمردن ارزش‌های دیگران نیست، بلکه تلاش روشنفکرانه و وطن‌پرستانه‌ای است، به منظور ایجاد انگیزه و تفکر در مردم بی‌اعتنا و کم‌فرهنگ، تا بهتر ببینند و بیشتر بیندیشند و ناهنجاری‌های رایج در جامعه را تشخیص دهند.

حالا متوجه شدید که چرا ما پانزده سال است ریشنامه را انتشار می‌دهیم.

ایرانیا رو از پنج تا چیز میشه شناخت :

همشون زیرشلواری آبی راه راه دارن

هر قلوب نوشابه که میخورن به شیشه نگاه میکنن ببینن تا کجاش رفته

جلوی در وامیستن و به جای اینکه بگن بفرمایین تو، میگن حالا چرا نمیان تو؟

بستنی لیوانی که میخورن حتما درش رو میلیسن

با اینکه تا چند دقیقه پیش به آخوند فحش خواهر و مادر میدند ، به محض اینکه آخوند می بینند میگن : حاج آقا التماس دعا.

از امام جعفر صادق منقولست : از علی امام اول شیعیان پرسیدند : اگر سه بسته خرما داشته باشی و خالد یک بسته آنرا ببرد ، چه چیزی باقی میماند ؟ علی ابن ابی طالبی گفت : جنازه خالد و سه بسته خرما !!!!

اصول کافی جلد 6 رویه 67

دختر خامنه ای میره بانک تا پول سهام یکی از شرکت هاشو بگیره . صندوقار بانک میگه : پول را به ریزم به حساب جاریتون . دختر خامنه ای عصبانی شده و میگه : جاریم الهی بمیره ، اینجا هواشو دارند!!

مجتبی خامنه ای مشغول سرخ کردن مرغ بود و زیر بال مرغ نمک پاشید که مقام تخرمای رهبری داد زد : کره خر اونجا زیر بغل مرغه ، خودش عرق کرده و شوره !!!

مجتبی پیش از ازدواج با دختر حداد عادل با مادرش خجسته خانم راجع به ازدواج صحبت میکرد و میگفت : من دنبال یک دختر آفتاب و مهتاب ندیده ام . مادرش گفت : اشتباه میکنی ، چون این دخترا کمبود ویتامین دی دارند !!!!! در ضمن بیشترشان شب کوری هم دارند.

از امام جعفر صادق منقولست : از عایشه سوگلی محمد پرسیدند : بزرگترین آرزویت چیست ؟ عایشه جواب داد : هرچی دوست دارم بخورم ، ولی چاق نشم !!

کنز المعالی جلد 2 رویه 897

از امام جعفر صادق منقولست : از پیامبر اسلام پرسیدند : آیا قانونی اصلی برای ازدواج وجود دارد ؟ حضرت پاسخ دادند : قانون اول ، پیش از ازدواج خوب فکر کنید و قانون دوم اینکه پس از ازدواج اصلاً فکر نکنید ، چون اگر پیش از ازدواج خوب فکر کرده بودید ، کارتان به اینجا نمی کشید !!!

سیرت انبیا جلد 7 رویه 54

بچه : بابا تورم چیه که اینهمه راجع به اون حرف میزنن ؟

پدر : یادته چند سال پیش بهت گفتم : اگر بچه درس خونی باشی میبرمت کیش .

بچه : آره بابا ، چقدر خوش گذشت . امسال میبری ؟

پدر : امسال که هیچی ، اگر تا قیامت هم بچه خوبی باشی و نمراتت همه بیست از سرپل تجریش اونور تر نمی تونم ببرمت . اینو میگن تورم !!!

میدونید بهترین راه یاد گیری فحش چیه ؟ کافی است کامنت بگذارید : جمهوری اسهالی از نظر رفاهی بهترین کشور جهان است ، آنوقت ظرف چند ساعت ، هزارتا فحش جدید یاد میگیرید.



مشنگ ترین ، ببو ترین ، بی اختیار ترین رئیس جمهوری که ایران ریده !!!

مجتبی خامنه ای : اگه به آقاجون رهبرم ماموریت بدند که هلیکوپتر سقوط کرده رئیسی را
بیابد ، در اولین اقدام به من میگه : بلند شو ، کونتو جمع کن ببینم هلیکوپتر زیر تو نیست
!!!

در بیت رهبری تلویزیون داره میگه : میلیون سال طول میکشه تا از بقایای موجودات
زنده نفت تولید بشه .مقام تخمای رهبری خطاب به بچه هاش میگه : اگر امروز من شما ها
را چال کنم ، ممکنه چند میلیون سال بعد به دردی بخورید !!

از رئیس جمهور پزشکیان پرسیدند : بهترین راه رسیدن به آزادی چیست ؟ او پاسخ داد :
مترو!!!

بسیجی با زنش میرند پیش قاضی تا طلاق بگیرند. قاضی می پرسه : شما ها که سه تا بچه کوچک دارید چه جوری می خواهید آنها را بین خود تقسیم کنید؟ بسیجی میگه : میریم یه بچه دیگه می سازیم تا مشکلمون حل بشه !!!

لطفا با لهجه مشهدی بخوانید

خجسته زن مقام تخمای رهبری : سید علی مگوم اگه مو بمیرم تو چکار مکنی ؟

سید علی : معلومه دیگه دیونه مروم.

خجسته : دیگه زن نمیگیری ؟

سید علی : نمودنم ، از دیونه هر کاری بگن برمیه .

از پاسداری پرسیدند : ماه عسل خوش گذشت ؟

پاسدار : آره خیلی خوش گذشت .

پس چرا زنت گریه میکنه ؟

پاسدار : برای اینکه نبردمش !!!!

